

روش‌های اثرگذاری انتظار در جامعه منتظر

عسکر دیرباز*

چکیده

باور به ظهور حضرت مهدی عج و برقراری حکومت اسلامی در جهان و ایجاد عدالت همه‌جانبه از آیات و روایات اسلامی به‌دست می‌آید. این باور از طرفی سبب می‌شود جامعه منتظر به وضعیت موجود اکتفا نکند و با ستم‌کاری کنار نیاید و از طرف دیگر موجب می‌گردد جامعه درصدد دستیابی به وضعیت بهتری باشد. بدین ترتیب، به تدریج، آمادگی‌های لازم برای ظهور حضرت فراهم می‌شود، به‌ویژه اگر این باور به دیگر جوامع نیز تسری یابد. این نوشته درصدد است با مطالعه روش‌هایی که باور به ظهور حضرت، موجب تحولات و تأثیراتی در جامعه منتظر می‌شود، مصادیق و روش‌های قانونی یا رسمی و ابزاری و هنجاری آن را معرفی و تشریح کند.

واژگان کلیدی

انتظار، جامعه منتظر، روش، حیات اجتماعی.

مقدمه

این نوشته درصدد است روش‌های اثرگذار انتظار در جامعه منتظر را تشریح کند. به این منظور، نخست به معرفی پدیده انتظار و مؤلفه‌های آن و همچنین شناسایی جامعه منتظر می‌پردازد. سپس با معرفی روش‌های اثرگذاری یک ایده یا پدیده در جامعه، مصادیق این روش‌ها در جامعه یادشده را بررسی می‌کند. قلمرو اصلی نوشته، جامعه منتظر معتقد به امامت اثنی‌عشری است، ولی به تناسب بحث به جامعه منتظر در معنایی عام نیز بی‌توجه نخواهد بود.

مفهوم‌شناسی

1. تبیین انواع روش‌ها

الف) روش هنجاری: با تعلق خاطر، وفاداری، تمایل عاطفی اثرگذار، اطاعت ناشی از باور به حقانیت، حقانیت تبدیل شده به باور درونی و آمیخته با ضمانت اخلاقی همراه است. گرچه در فرایندی طولانی، احساس تعلق عاطفی و مسئولانه نسبت به حفظ و دفاع از قواعد در فرد به‌وجود می‌آید و خود را به‌طور درونی، پاسدار آن‌ها می‌داند.

ب) روش ابزاری: پیوستاری گسترده از رفتارهای مشارکتی کاملاً فعال تا کاملاً منفعل را دربر می‌گیرد. در این روش، افراد با توجه به نتایج و پیامدهای رفتاری به شرکت در رفتارهای موافقت‌آمیز برانگیخته می‌شوند. محاسبه نفع و ضرر مترتب بر تصمیم، تأمین نفع و فایده مشخص یا همگانی، شاخص روش ابزاری است.

ج) روش قانونی یا رسمی: قواعد الزام‌آوری هستند که باید با آن‌ها هم‌نوا شد و آگاهی از الزام‌آور بودن آن‌ها نقش اساسی دارد.

دو نکته را درباره این روش‌ها نباید از یاد برد:

1. این سه روش، قابل تبدیل به یکدیگرند.

2. تفکیک این سه، جنبه تحلیلی دارد و در سطح واقعیت، هر سه می‌توانند به‌طور هم‌زمان وجود داشته باشند. برای نمونه، ممکن است در مورد فردی، بیرونی‌ترین کنش او، موافقت قانونی و رسمی و درونی‌ترین آن، تأیید هنجاری باشد.

همان‌طور که اشاره شد، وقتی فرایند و پدیده‌ای به هنجار تبدیل شود، روش درونی انگیزش کنترل و حتی توییح را در پی دارد و شخص را وادار به پیروی می‌کند. اشاعه و ترویج یک پدیده، انتقال آن از

یک عضو گروه به بقیه در صورتی که با زمینه مناسب و مساعد همراه باشد، می‌تواند پدیده را به صورت هنجار در آورد. البته ویژگی‌های اثرگذار هنجارآور و مورد علاقه، نیاز و استقبال از بودن پدیده‌ای که قرار است هنجار شود و سرعت و چگونگی و زمینه اشاعه آن نیز تأثیر خاص خود را خواهد داشت.^۱

بر اساس مطالب یادشده این نوشته در پی آن است که روش‌های اثرگذاری انتظار را در جامعه منتظر مطالعه کند. قاعداً باید مصادیق روش‌های هنجاری، ابزاری و قانونی معرفی و چگونگی اثرگذاری آن‌ها تشریح شود.

2. انتظار

انتظار برای فرد و جامعه یک وضعیت است. وضعیتی که می‌تواند دست کم دو مؤلفه اساسی داشته باشد:

الف) امید و توقع دستیابی به وضعیتی بهتر؛

ب) قانع نبودن به وضع موجود.

وضع بهتر می‌تواند وضعیتی باشد که در آن، حق و پیروانش سربلند بوده، اقتدار یافته و غلبه داشته باشند و باطل و پیروان آن در حال اصلاح یا رو به نابودی باشند.

امیدواری به دستیابی به وضع بهتر لوازمی دارد، مانند: شناخت دقیق آن وضع در تمام ابعاد، آشنایی با شیوه رسیدن به آن، آشنایی با موانع و راه‌های مقابله با آن‌ها.

قانع نبودن به وضع موجود نیز افزون بر تلاش برای اصلاح یا دگرگونی آن، شامل آمادگی برای این کار، داشتن برنامه و راه‌حل و احیاناً اقدام عملی خواهد بود. در این راستا، مطالبی مانند حقیقت، ضرورت، ابعاد، میانی، بایسته‌ها و پیامدهای انتظار قابل طرح است.

3. جامعه منتظر

به‌عنوان پیش‌فرض _ نه مطلب مسلّم _ این‌گونه فرض می‌کنیم که:

الف) در جامعه با کنش فرد، تجربه او و اعمال اجتماعی مواجه هستیم.

ب) اعمال اجتماعی به وسیله عاملان انسانی انجام می‌شود که معرفت‌پذیرند.

ج) عاملان انسانی را نمی‌توان به سادگی محصول فرهنگ و نیروهای طبقاتی پنداشت. آن‌ها واجد قابلیت بازاندیشی در تعامل روزانه و دارای نوعی آگاهی ضمنی در مورد کنش خود هستند.

د) اعمال اجتماعی در راستای زمان و مکان نظم یافته، قاعده مند و احیاناً بازخوردی اند. (ه) در ایجاد اعمال اجتماعی که سازنده الگوهای قابل مشاهده اند و آن‌ها نیز سازنده و شکل دهنده جامعه اند، عمده فعالیت کنش گران معمولاً برآیند خواص ساختاری و ویژگی‌های نهادینه شده جوامع هستند.

و) ساختار، متکی و وابسته به فعالیت بوده و در عین حال، میانجی و پیامد فرایند ساختاری شده است.^۲

اینک می‌توانیم در جامعه منتظر، انتظار را یک ساختار نهادینه شده معرفی کنیم. ساختاری که این قابلیت را دارد تا تحکیم یابد، تثبیت شود، بارور گردد و ثمرات خود را نمایان سازد. در این جامعه، در راستای پدیده انتظار از طرفی:

یک. قدرت تحمل در برابر نامالیمات به جهت نیرومندی ایده و پدیده انتظار رشد می‌یابد؛
دو. در پرتو پویایی معطوف به هدف، زندگی معنی دار می‌شود؛
سه. به دلیل طولانی شدن دوران غیبت، درون پالایش می‌یابد و به درجات بالایی از خلوص می‌رسد؛

چهار. نیروهای نهفته و سرمایه‌های راکد به جریان می‌افتد.
از طرفی دیگر:

الف) اتحاد و انسجام اجتماعی فزونی می‌یابد؛
ب) تعاون و همکاری زیاد می‌شود؛
ج) اخلاق و حقوق مراعات می‌شوند.

در یک کلمه، به دلیل آماده بودن برای ظهور حضرت حجت علیه السلام، این آمادگی به همه امور مربوط به زندگی فردی و اجتماعی تسری می‌یابد و جامعه به تجلی گاه ارزش‌ها و نمایشگاه چنین هویتی تبدیل می‌شود.

نکته مهم در مورد اثرگذاری انتظار در جامعه منتظر آن است که انتظار و باروری آن در این جامعه، حالت پیوستار و تشکیکی دارد و هسته اولیه ایده و پدیده انتظار با روش‌هایی رو به تزاید و تعمیق است. پس از توضیح و تشریح عنوان و محورهای آن، نگاهی عمیق‌تر به پدیده انتظار خواهیم انداخت.

بنیان‌های پدیده انتظار

به نظر می‌رسد دست کم دو عامل اساسی که یکی از دیگری، مهم‌تر است، در پدیده انتظار نقش داشته باشند:

1. تعالی معنوی و فکری بشر

انسان با توجه به نیروی تفکر و توانایی نگه‌داری و انتقال تجربه‌ها همواره می‌تواند در مسیر رشد فکری و تعالی معنوی و اخلاقی گام بردارد و گاه این طی طریق، جهشی و باشتاب باشد. با این حال، به دلیل ظرفیت‌های بسیار فراوان انسانی می‌توان توقع داشت روزگاری بیابد که با توجه به فراهم بودن زمینه، با امدادهای الهی و وجود رهبری الهی، این تعالی، جهشی بسیار فراگیر داشته باشد، به طوری که نه تنها معادل رشد تمام دوره‌های تاریخ بشر باشد، بلکه آن گونه که در احادیث آمده،^۳ تعالی معنوی و عقلی بشر در آن روزگار، چندین برابر کل رشد بشر در دوران حیات خود شود. شاید ضرورت عینیت یافتن این تعالی همان تجلی اسماء و صفات الهی باشد. همان گونه که هستی، جلوه‌ای از تجلیات اوست، این جلوه _ در مورد انسان _ قبل از مرحله قیامت کبرا می‌تواند در حد استعداد ممکنات ظهور و بروز تامی بیابد. در انتظار این وضعیت به سر بردن، خود عاملی است برای تلاش مضاعف در جهت رسیدن به آن. ارتقای عقلانیت، حکمت و معرفت، بسط و کمال علم، توسعه دیانت، معنویت و اخلاق از جمله شاخص‌های جامعه موعود است.^۴

2. تحقق عدالت همه‌جانبه و برچیده شدن بساط ستم

عدالت در کنار تقوا، یکی از شاخص‌های جوامع سالم به‌ویژه جوامع دینی و اسلامی است. یکی از فعالیت‌های بشر در طول تاریخ، مبارزه با ظلم و ایجاد جامعه و حکومت مبتنی بر عدالت بوده و این آرمان گاه در گوشه‌هایی از کره خاکی در دوران‌هایی تحقق یافته است. با این حال، تحقق عدالت همه‌جانبه و حکومت عادلانه در کل کره خاکی آن هم به‌مدت بسیار طولانی، امید و آرزویی است که هیچ‌گاه عملی نشده است.

پدیده انتظار حاصل این آرمان است که اراده خداوند متعال بر این تعلق گرفته است که چنین وضعیتی محقق شود.^۵ درست است که بشر همواره فکر می‌کند شاید خود بتواند این کار را انجام دهد، ولی تا به حال موفق نشده است. به نظر نمی‌رسد بدون رهبری الهی، امدادهای خاص غیبی، فرا رسیدن زمان مناسب و فراهم شدن زمینه مساعد هم بتواند این کار را انجام دهد. سرنگونی حکومت‌های ظالم، تحقق وحدت و صمیمیت، زوال تبعیض، گسترش رفاه عمومی، صلح جهانی، تأمین حقوق انسان‌ها، تحقق عدالت فراگیر و جهانی، وفور نعمت، ارتقای سطح معیشت، ریشه‌کن شدن فقر، گسترش امنیت، توسعه آبادانی، ارتقای صنعت و فن‌آوری، صیانت و سلامت محیط زیست تحقق رضایت جهان‌شمول نیز از مشخصات جامعه موعود است.^۶

همان طور که اشاره شد، عامل نخست، اساسی‌تر از عامل دوم و عامل دوم، مقدمه‌عامل اول و زمینه‌ساز آن است. به عبارت دیگر، عامل دوم به خودی خود، ارزشمند است، ولی نسبت به عامل اول حالت مقدمی دارد؛ زیرا تحقق عدالت، امنیت، رفاه، صلح و صمیمیت، زمینه مساعدی است برای تعالی اخلاقی، معنوی، عقلی و فکری، نه به‌عکس و نه آن که دو هدف، مستقل در عرض و کنار یکدیگر قابل طرح باشند. در واقع، می‌توان گفت این دو عامل همان عوامل اساسی بعثت انبیاست و فایده‌آفرینش انسان نیز محسوب می‌شوند.

بنابراین، دو عامل یادشده، زیربنای پدیده‌انتظار است. به دلیل وجود این عوامل، بشر تا حدودی به‌طور فطری و بیش‌تر در پرتو تربیت دینی و فراگیری آموزه‌های دینی به‌ویژه اسلام، همیشه در جست‌وجوی رسیدن به وضعیتی آرمانی و ایده‌آل است.

نکته‌اساسی‌تر در این باره آن است که طبق آموزه‌های دینی، پدید آمدن جامعه‌موعود، دو مؤلفه دارد که مؤلفه نخست آن در دست بشر است. یعنی با این که تصمیم‌گیرنده، خداوند متعال است که هر گاه اراده کند، این کار انجام می‌شود، ولی فراهم آوردن زمینه مساعد آن به‌دست بشر است. پس انسان‌ها باید دست به دست هم دهند و زمینه اجرایی شدن این خواست الهی را فراهم کنند. آمادگی روحی و عملی، پرورش انسان‌های زنده، توانا و صالح، مایوس شدن از این که خود بشر بدون امدادهای الهی بتواند این وضعیت را فراهم آورد و دعا و درخواست از خداوند متعال برای تحقق این شرایط از جمله مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز است.

ملاحظه می‌شود که منتظران باید برای ترویج ایده‌انتظار در عالم بسیار تلاش کنند تا فرهنگ جهانی مساعدی پدید آید و به‌تدریج، زمینه‌ها و شرایط فراهم شود.

مناسبات انتظار و جامعه منتظر

از آن جا که ایده و پدیده‌انتظار در این نوشته به‌عنوان باور و پدیده‌ای دینی در جامعه منتظر مطرح است، این مطلب به‌عنوان مصداقی از مناسبات دین و جامعه قابل طرح است. می‌توان گفت باورهای دینی از چند جهت در حیات اجتماعی اثرگذار است:

1. پدید آوردن برخی شعایر و مناسک که خود، بعدی از حیات اجتماعی را رقم می‌زنند و احیاناً نهادهایی را پدید می‌آورند؛
2. پدید آوردن نهادهای دینی (به‌طور مستقیم)؛
3. اثرگذاری بر قشربندی اجتماعی و منزلت اجتماعی اقشار و گروه‌ها و هرم قدرت اجتماعی.

با مصداق‌یابی این مناسبات در جامعه منتظر در تعامل با پدیده انتظار همراه با در نظر گرفتن اقسام روش‌های مورد اشاره در ابتدای نوشته می‌توان به‌طور مبسوط روش‌های اثرگذاری انتظار در جامعه منتظر را تشریح کرد. البته به‌نظر می‌رسد پیش از ارائه این مطلب، همانند معرفی بنیان‌های انتظار باید ویژگی‌های جامعه منتظر نیز تبیین شود.

ویژگی‌های جامعه منتظر

برای جامعه منتظر که در انتظار آمدن و ظهور رهبری الهی به سر می‌برد، رهبری که در قید حیات است و در حیات اجتماعی انسان‌ها حضور دارد _ گرچه به‌صورت ناشناخته _ حجت الهی بر انسان‌هاست، واسطه فیض و برکات و هدایت‌های الهی برای انسان‌ها، بلکه سراسر هستی است، چند ویژگی آشکار قابل ذکر است:

1. ایجاد و تعمیق روابط متقابل بین رهبر و مردم

بین رهبری جامعه در انتظار و مردم، روابط گسترده و عمیقی وجود دارد. در وجهی کلی، نوعی عشق، محبت و احترام عمیق از طرف جامعه نسبت به رهبر و متقابلاً نوعی صمیمیت، شفقت و عنایت از طرف رهبر نسبت به جامعه ابراز می‌شود.

رهبر جامعه منتظر، حضرت حجت علیه السلام:

الف) از طریق موارد زیر به یاد افراد جامعه است:

1. نظارت بر احوال مردم؛
 2. شریک غم و شادی آنان بودن؛
 3. دعا برای جامعه به‌ویژه دوست‌داران خود؛
 4. آمین گفتن به دعای دوستان خود؛
 5. عیادت برخی بیماران جامعه؛
 6. شرکت در تشییع جنازه برخی افراد؛
 7. هم‌سفر و هم‌سفره شدن با برخی و ابراز محبت.
- ب) از این راه‌ها به جامعه و افراد آن کمک می‌رساند:
1. برآوردن حاجات و خواسته‌هایی که به مصلحت است (باذن الله)؛
 2. دفاع از جامعه هنگام آسیب‌ها و خطرهای جدی؛
 3. هدایت‌ها و راهنمایی‌های ویژه؛

4. فریادرسی درماندگان و مضطربین.

ج) از طریق دیدار حضوری با برخی افراد واجد شرایط که یا خود حضرت به دیدارشان می‌روند یا آن‌ها توفیق تشرّف به محضر حضرت پیدا می‌کنند. متقابلاً از طرف جامعه منتظر و افرادش، این روابط به اشکال گوناگون و فراوانی ابراز می‌شوند از جمله:

1. ابراز عشق و علاقه نسبت به حضرت حجت علیه السلام؛
2. انتظار فرج او و دعا برای ظهورش؛
3. اظهار اشتیاق نسبت به دیدارشان؛
4. تشکیل مجالس به یاد او همراه با ذکر فضایل و مناقب حضرت؛
5. اندوه و گریستن در فراق او؛
6. انجام امور خیر به نیابت از او مانند خواندن نماز، طواف، زیارت پیامبر و امامان علیهم السلام؛
7. دادن صدقه برای تداوم سلامتی او و رفع کسالت احتمالی از او؛
8. خوشحال کردن دوست‌داران او؛
9. تجدید بیعت متوالی و متناوب با او.

تحکیم و بسط چنین روابطی از طرف جامعه منتظر در پی شناخت هرچه بیش‌تر حضرت حجت علیه السلام، آشنایی با صفات و ویژگی‌های او و علایم ظهور، مقدمات ظهور و چگونگی یاری کردن به حضرت تشدید می‌شود و متقابلاً بذل شفقت و عنایت حضرت را بیش‌تر خواهد کرد.

تداوم و تعمیق این روابط دوجانبه، با توجه به این‌که حضرت، جانشین پیامبر عالی‌قدر اسلام صلی الله علیه و آله، اسوه انسانیت، حجت خداوند متعال و دارای عالی‌ترین درجه کمالات انسانی است، موجب تعالی هرچه بیش‌تر جامعه و افراد آن می‌شود، مشابهت‌های جامعه را به رهبر خود فزونی می‌بخشد و یکی از بهترین راه‌های تعالی معنوی و اخلاقی جامعه منتظر است. میزان این تعالی و کمال در جامعه منتظر هنگام مقایسه آن با جوامعی بیش‌تر نمایان می‌شود که عملاً خود را از چنین الگوهای محروم کرده‌اند و از این روابط دوجانبه بی‌بهره‌اند؛ مانند جامعه‌ای که صرفاً درصدد است _ به پندار خود _ با اجرای آموزه‌های دینی به‌گونه‌ای خود را به آن‌ها آراسته گرداند. روشن است وقتی جامعه‌ای افزون بر اجرای آموزه‌ها، واجد روابط متقابل با رهبران الهی و تجسم‌بخش آموزه‌ها باشد، علاوه بر تأثیرات دوجانبه و رهبری و تربیت عملی، دعا‌های رهبر و عنایات او و هدایت‌های الهی از طریق او سبب تعالی پرشتاب جامعه منتظر خواهد شد.

2. پرورش افراد صالح و توانا به‌عنوان یاوران خاص حضرت حجت علیه السلام

برخورداری انبیا و اولیای الهی از یاورانی کارآمد، استوار، نستوه و جان بر کف، حقیقتی انکارناپذیر است. نقش یاوران در موفقیت‌های انبیای الهی مانند حضرت موسی^۷، حضرت عیسی^۸، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و در مورد امامان شیعه؛ حضرت امام حسن^۹، حضرت امام حسین^{۱۱} و حضرت امام صادق^{۱۲ علیهم السلام در منابع دینی یادآوری شده است.}

چنین سنتی در مورد حضرت حجت علیه السلام نیز جاری است و حضرت با یاوران خاصش فعالیت خود را آغاز خواهد کرد.^{۱۳}

به دلیل پدیدهٔ انتظار و لزوم آمادگی و پرورش افراد زبده و زمینه‌ساز و پا به رکاب، به‌طوری که هر آن، حضرت ظهور کند، بتوانند در سریع‌ترین زمان ممکن در خدمت حضرت باشند، جامعهٔ منتظر عموماً و افراد معینی از آن به‌طور خاص، درصدد کسب آمادگی‌های لازم هستند؛ آمادگی‌های فکری _ اعتقادی و روحیه‌ای _ رفتاری.

با توجه به آن‌چه در برخی احادیث آمده است، چنین آمادگی‌هایی در مناطقی مانند قم^{۱۴}، ری، یمن و طالقان علی‌القاعده باید بیش‌تر باشد. گروه‌هایی محکم و استوار با درجهٔ بالایی از ایمان و روحیهٔ جهادی دارای تشکلهایی اداری، سیاسی، نظامی و اطلاعاتی که بتوانند در سریع‌ترین زمان ممکن، بیش‌ترین کارایی را داشته باشند.

طبیعی است چنین افرادی از جامعهٔ منتظر سر برمی‌آورند و چنین زمینه‌هایی در آن جامعه وجود دارد. پالایش درون، رشد نیروی مقاومت در برابر نامالایمات، مراقبت دائمی، احساس حضور در پیشگاه حضرت، سلامت اخلاقی، منحل نشدن در فساد پیرامون، پایداری در برابر رهبری‌های ناسالم، مقابله با تحریف و تخریب و آسیب‌های وارد بر پدیدهٔ انتظار و جامعهٔ منتظر از جمله اموری است که در گروه یاوران آشکار و مشهود خواهد بود.

این زمینه‌سازان و یاوران خاص علاوه بر آن که محصول و برآیند جامعهٔ منتظر هستند، در آن جامعه اثر می‌گذارند و موجبات تعالی بیش‌تر آن را فراهم می‌کنند.

3. پویایی و تکامل بودن جامعهٔ منتظر

نتیجهٔ وجود دو ویژگی پیشین، از طرفی، تحقق جهت‌گیری خاص جامعهٔ منتظر به سمت اهداف متعالی است که در نهایت، این جامعه پس از ظهور حضرت حجت علیه السلام به آن سمت حرکت خواهد کرد. از طرفی دیگر، جامعهٔ منتظر، پویایی و تکامل بسیار پرشتاب‌تر در مقایسه با جوامع سالم و پویایی غیرمنتظره داشته باشد. دلیل این مطلب روشن است. وقتی جامعه‌ای از دل و جان به وضعیت آرمانی

خود (جامعه جهانی حضرت مهدی علیه السلام) معتقد بود، درصدد شناخت کامل و دقیق آن برمی آید، راهها و مراحل رسیدن به آن را شناسایی و موانع را برطرف خواهد کرد. بدین ترتیب، هدفمندی و ایده آل را نصب العین خود قرار دادن، در کنار عوامل پیشین همراه با امدادهای الهی سبب حرکت پرشتابتر جامعه به سوی کمالات و آرمانهای مطرح در جامعه پس از ظهور خواهد شد.

راهها و چگونگی تأثیر انتظار

همان گونه که اشاره شد، باور به ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت عادلانه جهانی در پدید آوردن برخی شعایر و مناسک و ایجاد برخی نهادهای دینی و قشربندیها و منزلت‌های اجتماعی اثرگذار است.

الف) در ناحیه شعایر و مناسک، از جمله مواردی که باور به انتظار ایجاب می‌کند در جامعه منتظر در نظر بگیریم، عبارتند از:

1. گرامی داشتن ایام و اعیاد و مناسبت‌های منسوب به حضرت حجت علیه السلام مانند نیمه شعبان، روزهای جمعه و ...؛
2. مقرون ساختن تمامی جلسات و مجالس دینی به یاد و نام حضرت و ذکر فضایل و مناقب و معرفی او و دست کم در ابتدا و انتهای جلسه؛
3. تهیه برنامه‌های ترویجی صوتی و تصویری مستند، متقن و جذاب درباره زندگی نامه حضرت، اهداف ایشان، روش کار حضرت، معرفی دقیق و کامل ویژگی‌های ظاهری و سیمایی حضرت؛
4. معرفی حضرت به صورت مکتوب برای سطوح فرهنگی و فکری گوناگون جامعه به سبک‌های متعدد در رسانه‌های تصویری جدید، کتابها و ...؛
5. فراوان کردن نام حضرت در شهرها، مناطق مسکونی، شغلی، خیابان‌ها، دانشگاه‌ها، مساجد، پارک‌ها و ... به طوری که با ورود هر تازه‌وارد به جامعه منتظر، نام حضرت و معرفی او از گوشه گوشه جامعه نمایان باشد؛
6. تخصیص اوقاف و منابع مالی معینی جهت هزینه کردن برای بزرگداشت حضرت در اشکال مختلف و هرچه بیش‌تر زنده نگه داشتن یاد و نام و آوازه او؛
7. شناساندن حضرت به جهانیان از طریق رسانه‌های همگانی و اعزام تیم‌های تبلیغی و کارآمد و

؛ ...

این موارد و نظایر آن در ابتدا به صورت ترویجی و با روش‌های قانونی و رسمی طرح می‌گردد و به‌خاطر نیاز و توجه فطری اکثریت انسان‌ها به آینده‌ای روشن، هم‌نوایی رفتاری آن‌ها را موجب می‌شود و به تدریج، توجه به حضرت حجت و استمداد از او حالت هنجار پیدا خواهد کرد. به عبارت دیگر، معمولاً روش‌های ذکرشده، سیری از رسمی به هنجاری خواهند داشت. در این مورد نیز تشکل‌های رسمی (دولتی و غیردولتی) در ترویج و معرفی‌های اولیه می‌توانند با تکیه بر مفید بودن و مزایای توجه به آینده روشن، زمینه هنجاری شدن ایده انتظار را فراهم کنند. کارآمدی بالا و پاکی نیت و انگیزه مجریان برنامه‌های مربوط به حضرت حجت در توفیق بهتر و بیش‌تر آن‌ها تأثیر فراوانی خواهد داشت. آن‌چه اهمیت دارد، توجه به سیر حرکت روش‌ها در جوامع عادی است؛ زیرا مراعات آن‌ها کار را سهل‌تر خواهد کرد.

ب) در ناحیه اثرگذاری انتظار در نهادهای اجتماعی به ذکر دو مورد بسنده می‌شود:

1. تشکیل حزب منتظران: با فراهم بودن زمینه پرورش یاوران خاص حضرت در جامعه منتظر، تأسیس چنین حزبی بسیار آسان می‌نماید. این حزب غیردولتی با اهداف مشخص و جهانی در مورد پرورش یاوران حضرت و ترویج ایده انتظار و زمینه‌سازی ظهور انجام وظیفه خواهد کرد. چنین حزبی درصدد کسب پایگاه و نفوذ اجتماعی برای آماده‌سازی توده‌ها در جهت یاری به حضرت برخواهد آمد. این حزب می‌تواند پیشرفته‌ترین آموزش‌های نظامی و اطلاعاتی را دریافت و آمادگی یاری‌رسانی همه‌جانبه به حضرت را در خود تقویت کند. بودجه این حزب می‌تواند از طریق دریافت حق عضویت از اعضا و کمک‌های افراد و جمعیت‌های نیکوکار تأمین شود. نکته مهم در مورد این حزب آن است که باید این حزب زیر نظر سازمان مراجع فعالیت کند؛ زیرا همان‌طور که اینک اشاره می‌شود، نهاد دیگری که باید در جامعه منتظران و در پرتو ایده انتظار تأسیس شود، سازمان مراجع دینی است.

2. تشکیل سازمان مراجع دینی: با توجه به احادیث معتبر، در زمان غیبت کبرا، فقهای واجد شرایط و اسلام‌شناسان دارای صلاحیت به عنوان نواب عمومی حضرت در کنار دیگر فعالیت‌های خود، همراه با داشتن بازوی نیرومند حزب منتظران، بخشی از مدیریت وقت، امکانات و توانایی‌های خود را مصروف آماده‌سازی جامعه منتظر خواهد کرد. این نهاد، عالی‌ترین نهاد رسمی غیردولتی در جامعه منتظر برای سامان‌دهی همه برنامه‌های مربوط به آماده‌سازی و تعالی بخش جامعه منتظر است. با توجه به توانایی‌های مراجع دینی و شایستگی‌های معنوی، اخلاقی و مدیریتی ایشان، کسب کامیابی‌های اساسی در آماده‌سازی جامعه منتظر بسیار طبیعی و مسلم می‌نماید. درست است که هر

تشکلی ممکن است با مشکلات و موانعی مواجه شود، ولی به نظر می‌رسد با وجود پاک‌نیت و توانایی‌های عالی در چنین نهادی، موانع به راحتی برطرف شوند.

همان‌گونه که اشاره شد، حزب منتظران، برخاسته از متن جامعه منتظر و اعضای آن از تمامی اقشار جامعه با سازمان‌دهی و مدیریت‌های مردمی خواهد بود. چنین حزبی با توجه به نظارت عالی سازمان مراجع دینی می‌تواند دقیق‌ترین و کامل‌ترین برنامه‌های آموزشی را برای جامعه منتظر به اجرا در آورد. انتظار می‌رود با گذر زمان و شکل‌گیری فعالیت‌ها، کارآمدی آن‌ها رشد پرشتابی بگیرد و به تدریج، از موانع کاسته شود و شعاع فعالیت حزب حتی جوامع غیراسلامی را نیز پوشش دهد. آنچه می‌تواند در این بخش، امیدبخش باشد، عنایت الهی و توجه خاص خود حضرت در کنار زمینه‌های مساعد در تمامی جوامع بشری برای داشتن تصویری از جامعه آرمانی است.

مطالب زیادی درباره این دو نهاد می‌توان ذکر کرد که تأمل و مجال بیش‌تری می‌طلبد. با توجه به روش‌های ذکرشده می‌توان گفت روش قانونی و رسمی در این‌جا نیز در آغاز کار، بیش‌ترین نقش را خواهد داشت. تشکیل این دو نهاد در جامعه منتظر، در کنار دیگر نهادهای اجتماعی، سامان‌دهی جدیدی را ایجاد می‌کند و واکنش‌های مختلفی را بر خواهد انگیزد. طبیعی است به مرور زمان _ همان‌گونه که در اعمال اجتماعی و زمان‌بندی بودن و مکان‌مند بودن آن‌ها اشاره شد _ با گسترده شدن فعالیت آن‌ها و حتی سرایت آن‌ها به دیگر جوامع، وقتی افراد ببینند همراهی با این نهادها مفید است، از این نهادها استقبال خواهد شد. به تدریج، نوبت به روش‌های هنجاری و پیدا شدن تعلق خاطر و احساس تعهد نسبت به همراهی و همکاری با برنامه‌های آن‌ها خواهد رسید.

این نوشته می‌خواهد این نکته را مطرح کند که هر فرد و گروه اجتماعی به‌طور طبیعی با توجه به اعتقادات خود در ابتدا به این‌جا خواهد رسید که باید بخشی از وقت، امکانات و توانایی‌های خود را در مسیر پدیده انتظار به کار گیرد و در مرحله بعد، حیات فردی و اجتماعی خود را به‌گونه‌ای سامان دهد که صبغه انتظاری داشته باشد که همان صبغه الهی است.

در چنین موقعیتی، افراد و گروه‌ها برای پذیرایی و استقبال از حضرت حجت علیه السلام آماده‌ترند و با گسترش و توسعه چنین وضعیتی به دیگر جوامع می‌توان انتظار داشت روزبه‌روز زمینه برای استقبال و هم‌نوایی و هم‌دلی با حضرت و برنامه‌های او بیش‌تر فراهم شود.

همان‌طور که اشاره شد، با توجه به تفکیک نشدن این روش‌ها در سطح واقعیت، برنامه‌های یادشده در بعد مناسک و شعائر، با دو نهاد ایجادشده ارتباطی تنگاتنگ خواهد داشت و مناسبات دو جانبه‌شان سبب خواهد شد جامعه منتظر در راستای کسب آمادگی شتاب بیش‌تری پیدا کند.

در چنین جامعه‌ای، هر نهاد یا سازمانی به تناسب قرب و بعد آن با آرمان‌های مهدویت کسب منزلت خواهد کرد. وقتی سازمان مراجع دینی به‌عنوان سازمان نواب حضرت انجام وظیفه کند، طبیعی است بالاترین منزلت اجتماعی و در همان حال، بیش‌ترین تعهد و مسؤولیت اجتماعی را خواهد داشت. هنگامی که حزب منتظران به‌عنوان یاوران زبده حضرت در زمینه آماده‌سازی جامعه فعالیت می‌کنند منزلت رفیع آنان هم‌گام با تعهد بسیار زیاد اجتماعی‌شان خواهد بود.

سازمان مراجع دینی می‌تواند با استناد به منابع و مأخذی که در اختیار دارد، برنامه بلندمدتی را طراحی کند که با پیمودن هر مرحله از مراحل آن، جامعه منتظر به درجه آمادگی بیش‌تری دست می‌یابد و به قله آمادگی و همراهی حضرت نزدیک‌تر می‌شود. از وظایف نهاد و حزب منتظران، یارگیری بیش‌تر و ایجاد شرایطی خواهد بود که دسته‌دسته بر اعضای حزب منتظران افزوده شود.

یادآوری

سزاوار است به این مطلب توجه شود که از پایان غیبت صغرا و شروع غیبت کبرا تا به حال، قرون فراوانی سپری شده است و شاید تا ظهور حضرت قائم علیه السلام قرن‌های بسیار بیش‌تری نیز بگذرد و حضرت ظهور نکند. در احادیث سفارش شده است که ظهور را نزدیک بدانیم و دعا برای تعجیل ظهور حضرت را از برنامه‌های جامعه منتظر قرار دهیم، ولی در کنار این امور، این احتمال وجود دارد که به دلیل فراهم نشدن شرایط اجتماعی، ظهور به این زودی‌ها رخ ندهد. از طرف دیگر، نسل‌های متوالی با نصب العین قرار دادن انتظار همراه با پرورش یاوران زبده، آمادگی‌های همه‌جانبه را کسب کنند، و سرانجام با حالتی از اندوه و رنج از دنیا بروند. پیامد این وضعیت چه خواهد بود؟ آن‌گونه که در برخی احادیث آمده است، شاید این وضعیت سبب شود برخی دچار تردید شوند.

به نظر می‌رسد در کنار تقویت ایمان و درخواست از خداوند متعال که دچار تردید نشویم _ به‌ویژه کسانی که به حالت روحی و آمادگی نسل‌های پیشین و انتظار آنان توجه می‌کنند _ شاید بتوان مسئله انتظار و آمادگی برای ظهور و در عین حال، انجام فعالیت‌های عادی و معمولی زندگی اسلامی را به مضمون این آموزه‌های دینی تنظیر و تشبیه کرد که «اعمل لدنیاک کأنک تعیش ابداً و اعمل لأخرتک کأنک تموت غداً». هدف از این تشبیه _ و نه استدلال _ آن است که از طرفی، فرد و جامعه منتظر باید چنان شوق، آمادگی و بی‌قراری برای ظهور و آمدن حضرت و همراهی با او داشته باشد که گویی الان ظهور می‌فرماید. از طرف دیگر، برای انجام وظایف زندگی اسلامی عادی

به‌گونه‌ای زندگی و برنامه‌ریزی کند که گویا به این زودی‌ها معلوم نیست ظهور کند. هنر جمع بین این دو امر آن است که قابل تشبیه به همان آموزه یادشده است.

به عبارت دیگر، روال عادی حیات اجتماعی در جامعه اسلامی به‌گونه‌ای نیست که پدیده انتظار در آن خللی ایجاد کند، بلکه به‌عکس این پدیده:

1. حالت انگیزش قوی نسبت به انجام فرایض و ترک محرّمات و آشنایی و عمل به وظایف اجتماعی ایجاد می‌کند.

2. موجب می‌شود در کنار عوامل دیگری که سبب توجه بیش‌تر به خداوند متعال می‌شوند و در فعالیت‌های زندگی صبغه الهی ایجاد می‌کنند، عامل مساعد دیگری در همان راستا دست به کار شود؛ زیرا به انتظار رهبر الهی بودن و هم‌نوایی با او سبب مشابهت بیش‌تر انسان به او می‌شود. پس توجه به او طریقی است برای توجه به جلوه تام الهی.

3. سبب می‌شود همراه با آمادگی‌های اجتماعی و کسب توانایی‌های همه‌جانبه در جهت حفظ و تقویت اعتلا و عزت جامعه اسلامی ناشی از آموزه‌هایی چون «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ...»^{۱۵} این آمادگی‌ها و کسب توانایی‌ها از طریق پدیده انتظار نیز مضاعف شود.

4. اقتضا دارد برای تلاش به منظور بهبود اوضاع و دستیابی به وضعیت متعالی‌تر در آینده، انگیزشی چند برابر داشته باشیم.

5. سبب می‌شود در برابر ستم و تبعیض و هر گونه گناه اجتماعی و فردی بی‌اعتنا نباشیم و در حد توان با آن‌ها مبارزه کنیم.

ملاحظه می‌شود اگر ایده انتظار بدون تحریف و تخریب، از آسیب‌ها مصون بماند و بتواند جایگاه و نقش خود را در جامعه منتظر به دست آورد، نسبت به وضعیت عادی جامعه و فعالیت‌های آن، نقش راهنمایی و انگیزش بسیار تقویت‌کننده‌ای خواهد داشت. همچنین سبب تلاش مضاعف جامعه و حرکت پرشتاب‌تر اعضای آن به سوی تعالی خواهد شد. شاید حتی رنج و اندوه ناشی از انتظار و احتضار و جان به جان آفرین تسلیم کردن با چشم‌های منتظر نیز این مزیت را داشته باشد که تا آخرین لحظه حیات، ایمان و باور به خداوند متعال و حضور منجی منتخب از سوی او در جهان پایدار باشد. به هر حال، به نظر می‌رسد هنر جمع بین انتظار و انجام وظایف زندگی اجتماعی متأثر از آموزه‌های اسلامی، پویایی جامعه منتظر را تقویت کند.

نتیجه

باور به آمدن امام دوازدهم و حجت خداوند متعال و جانشین پیامبر برای تشکیل حکومت اسلامی جهانی و برقراری عدالت همه‌جانبه موجب می‌شود جامعه‌ای که این باور به صورت زنده و شاداب در آن مطرح است، در سطح فردی و اجتماعی، تلاش مضاعفی را برای آمادگی حضور در چنین جامعه‌ای و زمینه‌سازی شرایط برای آن انجام دهد. این تلاش مضاعف علاوه بر ارتقای سطح معنوی، اخلاقی و فکری جامعه سبب می‌شود جوامع دیگر نیز متأثر از این وضعیت و با توجه به شرایط مساعد، گرایش بیش‌تری برای همراهی با پدیده انتظار از خود نشان دهند. بدین ترتیب، به تدریج، اوضاع جهانی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام مساعد شود. روش‌های قانونی، ابزاری و هنجاری، راه‌هایی بودند که از گذرگاه آن‌ها، صورت‌های مختلف این اثرگذاری به صورت شعایر و مناسک، نهادهای دینی خاص و اثرگذاری در اقشار جامعه منتظر به اختصار بازگو شدند.

منابع

1. *آنا تومی جامعه*، فرامرز رفیع پور، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، 1378 ش.
2. *الاحتجاج*، ابومنصور احمد بن علی طبرسی، مشهد، نشر مرتضی، 1403 ق.
3. *بحار الانوار*، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404 ق.
4. *تحف العقول*، حسن بن علی حرانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، 1404 ق.
5. *الخرائج و الجرائح*، قطب‌الدین راوندی، قم، مؤسسه الهادی علیه السلام، 1409 ق.
6. *قیام و انقلاب مهدی علیه السلام*، مرتضی مطهری، قم، انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم، 1374 ش.
7. *الغیبة للحجة*، محمد بن ابراهیم نعمانی، تهران، مکتبه الصدوق، 1397 ق.
8. *کتاب الغیبة*، محمد بن حسن طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، 1411 ق.
9. *کمال الدین و تمام النعمه*، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، 1368 ش.
10. *مجله انتظار*، ش 1 - 7.
11. *مجله علوم اجتماعی* دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، سال اول، ش 5.
12. *معجم احادیث المهدی علیه السلام*، علی کورانی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، 1411 ق.
13. *منتخب الاثر*، لطف‌الله صافی گلپایگانی، قم، سیده المعصوم، چاپ اول، 1419 ق.
14. *یوم الخلاص*، کامل سلیمان، تهران، آفاق، چاپ سوم، 1376 ش.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و استادیار دانشگاه قم.

۱. آتاتومی جامعه، ص 233 - 501.

۲. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، مقاله اول، سال اول، ش 4. این محورها به‌عنوان پیش‌فرض برای داشتن انگاره‌ای از زمینه جامعه و جامعه منتظر در نظر گرفته شده است. دیدگاه‌های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد همانند کارکردگرایی و ساختارگرایی. این دیدگاه با مطالعه‌ای اندک، محصول گزینش فوری نگارنده است.

۳. الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ خَرَفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ خَرَفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْخَرَفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ خَرَفًا فَبَيَّنَّا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْخَرَفَيْنِ حَتَّى يَبْتَهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ خَرَفًا (منتخب الانوار، ص 201؛ بحار الانوار، ج 52، ص 336).

۴. إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عَقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ (الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 841، ح 71؛ بحار الانوار، ج 52، ص 236).

تُوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ (الغيبة للحجة، ص 238، ح 30؛ بحار الانوار، ج 52، ص 252).

۵. يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا. (الکافی، ج 1، ص 338؛ الاحتجاج، ج 2، ص 449)

۶. لَذَهَبَتِ الشُّخْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَاصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ. (تحف العقول، ص 115؛ بحار الانوار، ج 52، ص 316، ح 11)

۷. «وَاجْتَلِ لِي وَزَيْرًا». (سوره طه، آیه 30)

۸. «مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ ... نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ». (سوره صف، آیه 14)

۹. «وَإِنْ تَطَاهَرَ عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ». (سوره تحریم، آیه 4)

۱۰. وَ اللَّهُ مَا سَلَّمْتُ الْأَمْرَ إِلَيْهِ إِلَّا أَنِّي لَمْ أُجِدْ أَنْصَارًا. (بحار الانوار، ج 44، ص 147)

۱۱. فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي. (الموسوعة لكلمات الامام حسين عليه السلام، ص 394)

۱۲. قضیه سدیر صیرفی با امام صادق علیه السلام که چرا قیام صورت نمی‌گیرد: لَوْ كَانَ لِي شَيْعَةٌ بَعْدَ هَذِهِ الْجِدَاءِ مَا وَسِعَتِي الْقُعُودُ. (بحار الانوار، ج 64، ص 161)

۱۳. در توقیع شریف ذکر شده است: وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِي عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلْتُ لَهُمُ السَّعَادَةَ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا. (الاحتجاج، ج 2؛ بحار الانوار، ج 53، ص 177)

۱۴. رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قَوْمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ. (سفينة البحار، ج 2، ص 446)

لَيْسَ فِي الرِّايَاتِ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيَّةِ. (بحار الانوار، ج 52، ص 232)

وَيُحَا لِلطَّلَقَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى بِهَا كُنُوزًا لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَا فِضَّةٍ وَ لَكِنَّ بِهَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمُهْدَى فِي آخِرِ الزَّمَانِ. (بحار الانوار، ج 52، ص 307)

۱۵. سوره انفال، آیه 60.